

صفحات ۱۴۶-۱۲۳

مصدق اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت

غلامرضا رحیمی^۱

چکیده

آیه تطهیر، یکی از مهم‌ترین و راه‌گشادترین آیات قرآنی است که در آن، جایگاه و منزلت ویژه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بیان شده است، تلاش این مقاله بر آن است که با توجه به مدارک روشن اسلامی، به دور از هر گونه پیش‌داوری و تنها با بررسی دقیق منابع دینی، مخاطب خود را در تعیین مصداق اهل بیت در آیه شریفه تطهیر به ویژه از منظر اندیشمندان اهل سنت یاری رساند.

در این راه، ابتدا به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی اهل بیت می‌پردازد، آن‌گاه اقوال و نظریه‌های گوناگون را درباره اهل بیت در آیه تطهیر بر می‌شمارد، و سرانجام با تکیه بر قرائن موجود در آیه شریفه و نیز تعداد فراوانی از روایات وارد شده در موضوع از طریق فریقین، به این نتیجه می‌رسد که، آیه تطهیر، تنها در حق پنج نفر یعنی: پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام و حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام نازل شده است و نمی‌تواند همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دربر گیرد، زیرا به اتفاق فریقین، همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مصون و معصوم از خطا و اشتباه نبودند. ضمناً روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی

اهل بیت، رجس، تطهیر، تفسیر و تأویل، تطبیق.

^۱ هیئت علمی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دانشگاه فنی، دانشکده فنی دکتر شریعتی، تهران، ایران.

طرح مسئله

واژه «اهل بیت» اصطلاحی ویژه در حوزه فرهنگ دینی است که در متن منابع دست اول اسلامی، بارها از آن یاد شده و در بخش‌های اساسی و اصولی دین؛ به ویژه در حوزه تفسیر، عقاید و فقه حضور ویژه‌ای دارد؛ از این رو، هرگونه تلاش و کوشش در راستای تعیین مصداق و ابهام‌زدایی از چهره‌راستین آن صورت پذیرد، بی‌تردید تلاش در جهت فهم درست معارف دینی قلمداد گشته، و نزد خداوند سبحان، مشکور و مأجور خواهد بود. واژه اهل بیت مرکب از دو کلمه اهل و بیت است. در نگاه لغت‌شناسان، اهل و آل معنایش یکی و به معنای خانواده یا خاندان می‌باشد و در بسیاری از موارد لفظ آل دوشادوش لفظ اهل به کار می‌رود و از نظر فرهنگ نویسان ریشه آن همان اهل بوده است و با تبدیل «ه» به همزه و قلب همزه دوم به الف به صورت آل در آمده است. (زییدی، ۱۴۱۴/۱۴: ۳۴؛ سبحانی، ۱۳۶۶: ۲۹۵/۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۳۰)

تنها تفاوتی که آل با اهل دارد این است که آل معمولاً به نزدیکان افراد بزرگ و شریف گفته می‌شود ولی اهل معنای وسیعتری دارد و بر همه نزدیکان اطلاق می‌گردد. از سوی دیگر آل به افراد انسان اضافه می‌شود ولی کلمه اهل به زمان و مکان و هر چیز دیگر اضافه می‌شود مثلاً می‌گویند اهل فلان شهر اما نمی‌گویند آل فلان شهر. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۲/۲۹۰)

راغب اصفهانی در این خصوص می‌گوید: و اهل الرجل فی الاصل: من یجمعه و ایاهم مسکن واحد... اهل مرد در اصل کسانی‌اند که یک خانه و کاشانه آنها را گرد هم جمع کند؛ آن‌گاه آن را گسترش داده و گفته شده: «اهل بیت مرد کسانی‌اند که خویشی و نسب آنها را گرد هم جمع‌آوری نماید.» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵/۱۳۸۳: ۹۶)

فیروزآبادی در قاموس و ابن منظور در لسان العرب و زییدی در تاج العروس و ابن فارس در کتاب معجم نیز می‌گویند: «أهلُ الرَّجُلِ عَشیرتُه و ذُو قِرباهُ...؛ اهل هر شخصی خویشان و نزدیکان او» و اهل امر، به والیان و حاکمان حکومت و اهل خانه به ساکنان آن و اهل مذهب، به عقیده‌مندان به آن مذهب اطلاق می‌گردد. (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۴۸۶/۳؛ ابن منظور، ۱۹۸۸/۱۴۰۸: ۲۵۳/۱؛ زییدی، ۱۹۹۴/۱۴۱۴: ۳۵/۱۴؛ صالح غُصیمه، ۱۳۸۰: ۹۳)

فارس بن زکریا، ۱۴۰۴: ۱۵۰/۱)

واژه اهل گرچه عربی است ولی به خاطر ورود آن به زبان فارسی و انس ما با این لفظ در ردیف دیگر کلمات فارسی در آمده است. و به گفته واژه‌شناسان، اهل در صورتی استعمال می‌شود که میان یک عده پیوند جامعی باشد مثل: پدر، شهر، علم و... و میان آن جامع و افراد، انس و الفتی باشد و کلمه اهل به آن اضافه شود مثل این که گفته می‌شود اهل کتاب (پیروان کتاب‌های آسمانی) یا اهل اسلام (پیروان آئین مبین اسلام). (قرشی، ۱۳۶۷: ۱۳۶؛ سبحانی، ۱۳۶۶، منشور جاوید: ۲۹۵)

واژه اهل‌بیت: بیت در نگاه لغت‌شناسان و فرهنگ عرب به آنچه که به آن پناه برده شود و یا خانه گفته می‌شود.

سؤال: الف و لام در البیت چه نوع الف و لامی است؟ برخی آن را الف و لام جنس تلقی نموده‌اند ولی صحیح نمی‌باشد، زیرا آیه در صدد بیان حکم طبیعت اهالی متعلق به جنس بیت نیست. استغراق هم نمی‌تواند باشد زیرا اگر استغراق بود به جای مفرد صیغه جمع می‌آورد و می‌گفت اهل البیوت بنابراین احتمال سوم در اینجا متعین است و آن این که بگویم الف و لام عهد و تعریف است و اشاره به افراد خاصی از اهل بیت پیامبر دارد (سبحانی، ۱۴۲۰، مفاهیم القرآن: ۱۳۵/۱۰) و مقصود از آن خانه رسالت و کانون وحی می‌باشد.

گرچه به تبار و نسب فرد نیز بیت گفته شده است ولی خانه معهودی که میان متکلم و مخاطب، مورد نظر است جز خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام که شمول آیه بر آن، مورد اتفاق تمام مفسران است، خانه دیگری نیست. و هر نوع احتمال گسترش، مستلزم مخالفت با اتفاق مسلمانان و یا نفی معهود بودن البیت است. (طبرسی، ۱۹۹۵/۱۴۱۵: ۱۵۵/۸؛ سبحانی، ۱۳۶۶، منشور جاوید: ۲۹۹/۵)

بورسی اصطلاحی

در فرهنگ و عرف مسلمانان، هر گاه واژه اهل‌البیت به صورت مطلق و بدون هرگونه پسوند و پیشوندی استعمال شود، بی‌شک مقصود از آن با توجه به آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳) همیشه خاندان پیامبر گرامی

اسلام ﷺ فهمیده می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵: ۹۶)

در واقع می‌توان گفت: مسلمانان، به تبعیت از قرآن کریم کلمه «اهل البیت» را در مورد خاندان و اهل بیت گرامی پیامبر اکرم ﷺ استعما ن کرده‌اند و این موضوع آن چنان شهرت یافته که اراده معنایی دیگر از آن نیازمند به قرینه می‌باشد. (قرشی، ۱۳۶۷: ۱۳۷)

واژه اهل بیت در قرآن کریم

این واژه در قرآن، سه بار به شرح ذیل به کار رفته است.

۱- در داستان حضرت موسی عليه السلام هنگامی که آن حضرت پستان هیچ دایه‌ای را نمی‌گیرد، خواهرش به مأموران فرعون می‌گوید: «هَلْ أَذْکُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» (قصص/۱۲) من خانواده‌ای را می‌شناسم که می‌توانند این نوزاد را کفالت کنند و خیرخواه او باشند، آیا می‌خواهید شما را راهنمایی کنم. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۸/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۵/۱۶)

۲- در داستان حضرت ابراهیم عليه السلام زمانی که همسرش (ساره) پس از بشارت فرشتگان بر فرزنددار شدن وی این وضع برای او مجسم شد که چگونه فرزندی از پیرزنی نازا و پیرمردی از کار افتاده متولد می‌شود، به شگفت آمد؛ فرشتگان در مقام انکار تعجب، به وی گفتند: «أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود/۷۳) آیا از فرمان خداوند تعجب می‌کنی؟ در حالی که رحمت و برکات الهی بر شما اهل بیت بوده و هست. اولاً امر را به خدا اضافه کردند تا بدین وسیله هر گونه تعجیبی را از بین ببرند زیرا برای ساحت الهی هیچ چیز مشکل نیست زیرا وی خالق همه چیز است. ثانیاً گفتند: «رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» یعنی رحمت خدا و برکاتش بر شما اهل بیت بوده و هست. با این جمله فهمانند که خدا رحمت و برکاتش را بر آن خاندان نازل و ملازم ساخته است. در پایان آیه برای تأکید بیشتر در مقام ذکر علت، فرشتگان گفتند:

«إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» خداوند مبدأ صدور هر فعل پسندیده و منشأ هر گونه کرم و جودی است که از رحمت و برکات خود به هر بنده‌ای بخواهد عطا می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۶۹: ۴۹۵/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۷۴/۹) بنابراین بیت در این آیه کنایه از محل نبوت و مرکز وحی و رسالت است.

سؤال: چرا در آیه تطهیر زنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از اهل بیت خارج نموده‌اید ولی در اینجا همسر حضرت ابراهیم علیه السلام را جزو اهل بیت به حساب آورده‌اید؟

در پاسخ می‌گوییم: اولاً اهل بیت مجرد انتساب نسبی یا سببی بودن نیست بلکه باید در عقیده و اعمال نیز از هر جهت با صاحب نبوت متناسب و هماهنگ باشد. زیرا گاهی دلیل در دست داریم که فردی را از این معنا خارج می‌کند نظیر آیه «انه لیس من اهلک» (سوره هود، آیه ۴۶) که فرزند نوح علیه السلام را از اهل او به حساب نمی‌آورد، و یا گاهی دلیلی پیدا می‌شود که فردی را در این امر داخل می‌سازد مثل آنچه که در مورد سلمان آمده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمان منا اهل البیت» سلمان از خانواده می‌باشد. (قرائتی، ۱۳۷۹: ۳۴۴/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۱۸/۹)

ثانیاً مفسرین گفته‌اند دلیل این که ساره علیها السلام در شمار خاندان ابراهیم علیه السلام قرار گرفته چون دختر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است. پس آیه نشانگر این است که همسر از تیره و تبار نخواهد بود. (طبرسی، ۱۹۹۵/۱۴۱۵: ۳۰۷/۵ و ۳۰۹؛ طوسی، بی تا: ۳۴/۶؛ طیب، بی تا: ۹۱/۷)

ثالثاً در آیه تطهیر ما دلیل خاص داریم که اهل بیت در این آیه اختصاص به خامس آل عبا یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام دارد. به عنوان نمونه صاحب تفسیر درالمنثور که از علمای اهل سنت است ذیل آیه تطهیر حدیثی از ابوسعید خدری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمودند: نزلت هذه الایة فی خمسة: فیّ و فی علی و فاطمه و حسن و حسین یعنی آیه تطهیر. برای پنج نفر نازل شده، خودم، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام. (سیوطی، ۱۹۸۳/۱۴۰۳: ۶۰۴/۶؛ حسکانی، ۱۹۹۰/۱۴۱۱: ۴۱/۲؛ طبری، ۱۹۹۹/۱۴۲۰: ۲۹۶/۱۰)

۳- در آیه تطهیر، آن جا که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/ ۳۳)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و به طور کامل پاک سازد. با مراجعه به اقوال و نظریاتی که در مورد مصداق اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر بیان شده و همینطور منابع و مآخذ آن، این نکته به خوبی روشن می‌شود که از دیدگاه

تمامی مسلمانان اهل بیت در آیه تطهیر، ویژه خاندان پیامبر است و معنایی جز این ندارد، هر چند که در تعیین مصادیق آن میان مفسرین و دانشمندان اسلامی، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

اقوال در مورد مصادیق آیه تطهیر

در میان کسانی که به بحث در مورد معنا، مفاد و تعیین مصداق آیه تطهیر پرداخته‌اند، تا آن جا که پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد؛ چندین قول یافت می‌شود. البته ناگفته پیداست که نه همه این اقوال از حیث اعتبار و استحکام علمی در یک مرتبه‌اند و نه شمار قایلان آن به یک اندازه است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- عقیده پاره‌ای از مفسران و دانشمندان اهل سنت بر این است که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، و نیز همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۶/۶۰۳؛ طبری، ۱۹۹۹/۱۴۲۰: ۱۰/۲۹۸؛ فخر رازی، ۱۹۹۵/۱۴۱۵: ۹/۱۶۸؛ خطیب قسطلانی، بی تا: ۱۲۷/۲)

این نظریه با اشکالاتی روبروست. اولاً الف و لام البیت چنان که بحث شد الف و لام عهد است نه استغراق و یا جنس، و طبعاً خانه واحدی به نام خانه زهرا علیها السلام را در بر خواهد گرفت. ثانیاً مفاد آیه به حکم اراده تکوینی، عصمت اهل بیت را می‌رساند و همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله به اتفاق فریقین (شیعه و سنی) معصوم نبوده‌اند. ثالثاً روایات فراوانی از شیعه و سنی رسیده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند اهل بیت من، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسنین علیهما السلام می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۶۶، منشور جاوید: ۳۲۲؛ سبحانی، ۱۴۲۰، مفاهیم القرآن: ۱۷۵/۱۰)

۲- عده‌ای دیگر معتقدند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، خصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و غیر آن کسان دیگر را دربر نمی‌گیرد. تخصیص مفاد آیه، به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله جز افرادی مانند «عکرمه» و «عروه بن زبیر» و «مقاتل بن سلیمان» از کسی نقل نشده است. و عکرمه در بازار داد می‌زد و دیگران را بر سر اثبات آن به مباحله فرا می‌خواند و می‌گفت: آن چنان نیست که مردم درباره این آیه می‌اندیشند بلکه این آیه در حق همسران پیامبر فرود آمده است. (واحدی نیشابوری، ۱۳۶۲: ۲۴۰؛ سبحانی، ۱۳۶۶، منشور

جاوید: ۳۱۷/۵؛ آلوسی، بی تا: ۱۳/۲۲)

خود این قول را عکرمه به ابن عباس و سعید بن جبیر هم نسبت داده است. (شبلنجی، ۱۹۸۹/۱۴۰۹: ۲۲۳)

با مراجعه به بیوگرافی عکرمه، علمای اهل رجال می گویند:

او جزو خوارج و از فرقه «اباضیه» بود. احمد بن حنبل درباره وی می گوید: او از گروه صغریه (فرقه‌ای از خوارج) بود و بیشتر به نزد امیران و حاکمان وقت رفت و آمد می نمود و جوایز آنان را می پذیرفت. بنابراین وی منحرف بوده و احادیث او قابل اعتماد نیست. (سبحانی، ۱۳۶۶، منشور جاوید: ۳۱۸-۳۱۹/۵)

عروه بن زبیر و مقاتل بن سلیمان نیز از نظر ضعف دست کمی از عکرمه ندارند علمای رجال نیز این دو را تضعیف کرده و گفته اند این‌ها از دشمنان خاندان علی علیه السلام بوده اند. (همان: ۳۲۰)

۳- عقیده بسیاری از مفسران و دانشمندان اسلامی بر این است که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، فقط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است. چرا که واژه آنما برای اثبات مطلب پس از خود و برای انحصار می باشد. این قول از ابوسعید خدری، انس بن مالک، و وائله بن الاسقع، عایشه و ام سلمه می باشد. (طبری، ۱۹۹۵/۱۴۱۵: ۱۵۶/۸؛ حسکانی، ۱۹۹۰/۱۴۱۱: ۱۳۸/۲-۱۳۹)

از میان عالمان بزرگ اهل سنت؛ کنجی شافعی، طحاوی، ذهبی و... این نظریه را پذیرفته اند. (طحاوی، ۱۳۳۳: ۳۳۲/۱؛ کنجی شافعی، ۱۳۹۰: ۵۴) به عنوان نمونه یک حدیث در این زمینه ذکر می گردد.

«عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (تَطْهِير) دَعَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا علیهم السلام وَ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي.» (الطحاوی، ۱۳۳۳: ۳۳۲/۱)

وقتی آیه تطهیر نازل شد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام را به سوی خود دعوت کرد و فرمود پروردگارا اهل بیت من اینها می باشند.

- این قول نیز از قتاده، کلبی و مجاهد نیز روایت شده است. (ابن عساکر، ۱۴۰۷/

۱۹۸۷: ۲۰۷/۴؛ محمد شوکانی، بی تا: ۲۷۹/۴)

۴- عقیده شیعه امامیه بر این است که منظور از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ و فاطمه عَلِيَّهَا و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، و نه امام معصوم از ذریه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را نیز در شمار اهل بیت می‌داند.

برخی از مفسران بزرگ شیعه گفته‌اند: شیعه امامیه، بر این که آیه تطهیر، امامان دوازده گانه را شامل می‌شود، اتفاق نظر دارند. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳/۳۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶/۴۸۳-۴۹۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸/۱۵۸؛ شیخ طوسی، بی تا: ۸/۳۳۹؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۹۹) عمده‌ترین اختلاف در تعیین مصداق در آیه تطهیر به دو نکته باز می‌گردد.

۱- از جهت نفی، چه کسانی از دایره شمول آیه تطهیر خارج هستند.

۲- از جهت اثباتی، چه کسانی مصداق آیه شریفه تطهیر هستند؟

از آن جا که بزرگ‌ترین اختلاف در جهت تعیین مصداق، موضوع شمول آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، این مبحث را در دو بخش پی می‌گیریم، نخست بررسی مسأله از دیدگاه قرآن و قراین داخلی در آیه شریفه تطهیر، و دوم بررسی مسأله با توجه به روایات معتبر از دیدگاه فریقین.

آیه تطهیر و همسران پیامبر

در آیه تطهیر و نیز آیات پیش و پس از آن، قرائن و مؤیداتی وجود دارد که نشان می‌دهد منظور از اهل بیت، گروهی غیر از همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. پاره‌ای از آن نشانه‌ها بدین قرار است.

۱- قرآن کریم درباره همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سوره احزاب، از آیه شریف بیست و نهم تا سی و چهارم (که آیه تطهیر در میان این آیات قرار گرفته است) بحث و گفتگو می‌کند و تمام آیات، ضماین مربوط همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مطابق با قواعد ادب عربی، مؤنث می‌آورد و در این مورد، بیش از بیست ضمیر مؤنث به کار می‌برد: *كُنْتُنَّ، فَتَعَالَيْنَّ، اَمْتَكُنَّ، اَسْرَحُكُنَّ، تَرِدْنَ، نَسْتُنَّ، اتَقِيَنَّ، فَلَاتَخْضَعْنَ، قُلْنَ، قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ* و ...

اما هنگامی که به آیه مورد بحث (آیه تطهیر) می‌رسد، به یک باره لحن سخن دگرگون می‌شود و مخاطب کلام عوض شده و ضماین به صورت مذکر آورده می‌فرماید: *عَنْكُمْ، يُطَهَّرُكُمْ* و... در این جا این پرسش مطرح می‌شود که هدف از این تغییر لحن و

خطاب چیست؟ با اندکی دقت، به خوبی روشن می‌شود که علت این دگرگونی در لحن و خطاب، چیزی جز آن نیست که آیه شریفه، درباره گروهی غیر از همسران پیامبر نازل گردیده است؛ به دلیل این که هیچ گاه درست نیست ضمیر مخصوص مردان به زنان ارجاع داده شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۱۰/۱۶؛ قرشی، ۱۳۶۶: ۳۵۵/۸؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۳۸/۱۰؛ سبحانی، منشور جاوید: ۳۰۳/۵؛ موحد ابطحی، ۱۴۰۵: ۱۰/۲) از طرفی مقدم داشتن «عنکم» بر «اهل بیت»، نیز دلالت بر حصر دارد و غیر اهل بیت را شامل نمی‌شود.

۲- منظور از اراده در آیه شریفه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» اراده تکوینی خداوند است، یعنی خداوند با یک دستور تکوینی اراده کرده که اهل بیت را از هر گونه آلودگی پاک نماید و این دستور هرگز تخلف نمی‌پذیرد و تحقق آن حتمی و قطعی خواهد بود؛ نه اراده، تشریعی، زیرا اراده تشریعی به معنای مکلف ساختن اهل بیت به حفظ پاکی خویش است و می‌دانیم این تکلیف منحصر به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست بلکه همه مسلمانان مکلف و موظف هستند که خود را پاک نگه دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۳۸/۹)

به علاوه در آیه تطهیر کلمه انما که برای حصر و تأکید آورده شده، دو گونه حصر از آن استفاده می‌شود؛ یکی اراده قطعی خداوند بر این که هر گونه پلیدی و گناه را از اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دور نماید و دیگری این که این عصمت و دوری از گناه و پلیدی انحصار در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد و دیگران را شامل نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۰۹/۱۶)

حال با توجه به مطلب فوق این سؤال مطرح می‌شود که مقصود و منظور از «لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ» در آیه چه می‌باشد؟

آیا زدودن پلیدی به معنای دور ساختن پلیدی است؛ یعنی آنها از ابتدا هیچ گونه پلیدی نداشتند؟ یا این که آنها آلودگی داشته‌اند و خداوند آن آلودگی را برطرف ساخته است. اگر فرض اول مقصود باشد و ما بخواهیم همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را جزو اهل بیت به حساب آوریم، در این صورت تمام زنان پیامبر یا لاقبل بیشتر آنان از حکم آیه تطهیر خارج می‌شوند زیرا آنان پیش از اسلام به پلیدی و شرک و کفر آلوده بودند؛ در نتیجه حکم آیه تطهیر شامل آنان نمی‌شود.

اگر مقصود فرض دوم باشد به این معنا که آنها آلوده بودند و به اراده الهی پاک شدند؛ این با عقیده شیعه سازگاری ندارد زیرا شیعه معتقد است که اهل بیت علیهم‌السلام در تمام عمر معصوم هستند. بنابراین فرض نخست ثابت و فرض دوم منتفی می‌گردد و همسران پیامبر به طور قطع از حکم آیه تطهیر خارج می‌شوند. (مکارم، ۱۳۶۹: ۲۹۷/۱۷؛ سبحانی، منشور جاوید: ۲۹۳/۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۳۹/۱۰)

ممکن است کسی تصور کند که اراده تکوینی، سبب می‌شود که یک نوع جبری حاصل شود و اگر چنین باشد دیگر فضیلتی برای اهل بیت علیهم‌السلام به حساب نخواهد آمد؟ در پاسخ می‌گوییم معصوم دو نوع شایستگی دارد؛ یکی ذاتی و موهبتی که از سوی خداوند به آنها داده شده تا بتوانند الگوی مردم باشند و دیگری اکتسابی که از طریق اعمال اختیاری خود به دست می‌آورد. اراده الهی در حقیقت زمینه‌های توفیق را برای وصول به مقام عصمت فراهم می‌سازد و بهره‌گیری از این توفیق به اراده خود آنان بستگی دارد. به عنوان مثال فردی که آگاهی دارد از این که داخل ظرفی سمّ وجود دارد هرگز از آن استفاده نمی‌کند با این که اجباری هم در کار نیست بلکه سطح فکر و معرفت او اجازه نمی‌دهد که از آن استفاده کند. انجام گناه برای معصوم نیز چنین است؛ درست است که معصوم از امدادهای الهی برخوردار است ولی امدادهای الهی نیز بی حساب نیست بلکه لیاقت و شایستگی لازم است که این لیاقت با اختیار خود معصوم حاصل می‌شود. (مکارم، ۱۳۶۹: ۲۹۲/۱۷؛ مکارم، ۱۳۷۵: ۱۳۸/۹؛ سبحانی، ۱۳۶۶: ۲۹۱/۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۲۰۹/۱۰)

۳- مقصود و منظور از رجس در آیه شریفه چیست؟

لغت‌شناسان رجس را به معنای قدر و گناه و پلیدی می‌دانند. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۴۷/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۹/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۳۱۴/۳؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۲۰۰/۱۰)

در قرآن کریم این لفظ در بیش از هشت مورد آمده و به معنای عمل زشت و آلوده معنا شده^۱ و مقصود از آن هم آلودگی‌های ظاهری و حسی را شامل می‌شود و هم پلیدی‌های معنوی که در افراد گنه‌کار و کافر وجود دارد. پاکی انسان از این نوع پلیدی‌ها،

^۱. أمّا الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان. (مائده/۹۰)

ملازم با عصمت و پیراستگی از گناه می‌باشد. (موحد ابطیحی، ۱۴۰۵: ۶۵/۲)

و از آن جایی که رجس (پلیدی) به صورت مطلق همراه با الف و لام جنس آمده. در اینجا معنای عموم را می‌رساند و مفهوم آیه چنین است که خداوند اراده کرده هر گونه و هر نوع از انواع آلودگی را از اهل بیت علیهم السلام دور سازد. جمله و یطهرکم به عنوان تأکید مجدد بر موضوع نفی همه پلیدی‌ها است و واژه‌ها تطهیراً که به اصطلاح مفعول مطلق است باز هم تأکید دیگری بر این معنا است.

اگر مقصود نفی مرتبه‌ای از رجس مانند گناهان کبیره بود، نفی رجس به صورت نفی جنس و با دو تأکید که در آیه آمده مناسب نبود؛ پس نظریه برخی از مفسرین که می‌گویند مقصود از «الرَّجْس» شرک یا گناهان کبیره است، (الوسی بغدادی، بی‌تا: ۱۲/۲۲) پایه‌ای ندارد و با ظاهر آیه مخالف می‌باشد زیرا نفی یک شیئی به صورت مطلق و بدون قید و شرط، ملازم با نفی تمام مراتب گناه است. (سبحانی، ۱۳۶۶: ۲۸۳/۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۲۱۷/۱۰؛ مکارم، ۱۳۷۵: ۱۴۰/۹)

در نتیجه آیه تطهیر همسران پیامبر را دربر نمی‌گیرد، زیرا به اتفاق فریقین همسران پیامبر مصون و معصوم از خطا و اشتباه و گناه نبودند.

به علاوه در خاندان و نزدیکان پیامبر به جز پنج تن آل عبا، هیچ کس دیگر، عصمت و مصون بودنشان از گناه و لغزش ثابت نیست. بنابراین اهل بیت پیامبر علیهم السلام که خداوند اراده کرده آنها را از هر نوع آلودگی و گناه پاک کند، مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌باشد.^۱

۴- ممکن است کسی بگوید آیه تطهیر چون به دنبال آیاتی آمده که خطاب به همسران پیامبر علیهم السلام است، پس خطاب آیه تطهیر شامل همسران پیامبر است؟

در پاسخ گفته می‌شود، شکی نیست که وحدت سیاق یکی از امارات کشف مراد و مقصود است، ولی وحدت سیاق آن جایی گواه بر مقصود متکلم است که دلیل قوی‌تر و

^۱ در این زمینه هجده روایت تنها در تفسیر درالمثنور (ج ۱۶، همان، ص ۳۱۹) نقل شده است و مرحوم علامه طباطبایی هم در المیزان بیش از هفتاد روایت می‌شمرد و برای اطلاع بیشتر به کتاب غایة المرام بحرانی و عبقات الانوار ارجاع می‌دهد.

نیرومندتری برخلاف آن در کار نباشد، در حالی که در آیه تطهیر، روایات متواتر یا مافوق متواتر گواهی می‌دهند که آیه تطهیر به صورت مستقل نازل شده و در میان هفتاد روایت: یک روایت وجود ندارد که بگوید آیه تطهیر به دنبال آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ نازل شده است. هیچ یک از مفسرین این سخن را نگفته‌اند حتی افراد نادری مثل عکرمه، و عروه که می‌گویند آیه تطهیر در مورد زنان پیامبر نازل شده، آیه را به صورت مستقل عنوان می‌کنند و می‌گویند: آیه در مورد همسران پیامبر نازل شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۱۲/۱۶؛ سبحانی، ۱۳۶۶: ۳۰۹)

سیوطی از ابن حصار نقل می‌کند که: ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن در مکان خود بر طبق وحی انجام گرفته و خود پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دادند که فلان آیه را در فلان مکان قرار بدهید، بنابراین از اخبار متواتر چنین به دست می‌آید که ترتیب آیات بر طبق تلاوت رسول خدا ﷺ بوده و یاران پیامبر هم به همین روشی که پیامبر خدا ﷺ تلاوت می‌فرمودند جمع‌آوری کرده‌اند. (سیوطی، بی تا: ۲۱۶/۱)

صاحب تفسیر المنار از استادش شیخ محمد عبده نقل می‌کند: انما هو کتاب هدایه و وعظ ینتقل بالانسان من شأن من شؤونه الی آخر... (رشید رضا، بی تا: ۴۵۱/۲)

روش قرآن چنین است که انسان را از یک حالتی به حالت دیگر منتقل می‌کند و آن‌گاه یکی پس از دیگری به مباحث مورد نظر برمی‌گردد.

در این زمینه عیاشی و دیگران از جابر نقل می‌کنند که می‌گویند از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ای از قرآن سؤال کردم جواب دادند و دوباره سؤال کردم جواب دیگری دادند وقتی من دلیل آن را پرسیدم فرمودند. ان الایه من القرآن لتکون اولها فی شیئی و آخرها فی شیئی (قمی، ۱۴۰۴: ۲۱۹/۱) همانا آیه قرآن آغازش در مورد چیزی و فرجام و پایانش در مورد چیز دیگر است.

بنابراین با این اتفاق نظر در شیوه نزول آیه تطهیر، دیگر نمی‌توان به وحدت سیاق استدلال کرد و آن را قرینه‌ای بر مقصود دانست، زیرا فرض احادیث این است که این آیه به طور مستقل نازل گردیده و به امر پیامبر در همین مورد نوشته شده است و در تاریخ قرآن این مطلب نظایر زیادی دارد، یعنی آیه‌ای به طور مستقل نازل شده و به دستور پیامبر در

سوره‌ای ضمن آیات معینی قرار گرفته است. به عنوان نمونه در سوره مائده به دنبال آیه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمِیْتَةُ وَالدَّمُ...» و آیه «الْیَوْمَ یُنَسِّ الْأَذِیْنَ كَفَرُوا» آیه «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ وَآتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» که مربوط به ماجرای غدیر خم می‌باشد آمده است و لذا اگر این قسمت آیه برداشته شود هیچ لطمه‌ای به مضمون آیات قبلی وارد نمی‌شود و فقط برای مصالح سیاسی و عدم ایجاد حساسیت، به دنبال آیه مربوط به احکام لحوم (گوشت‌ها) قرار گرفته است. (سبحانی، ۱۳۶۶: ۳۱۳/۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۶۳/۱۰ و ۲۱۵) و از طرفی جمله «لِیَذْهَبَ عَنْكُمْ... یُطَهَّرُكُمْ» با ضمیر مذکر آمده و این تصریح آشکاری است بر این که آیه تطهیر شامل زنان پیامبر نمی‌شود و تردیدی وجود ندارد که دلالت نص مقدم بر دلالت سیاق است. (مغنیه، ۱۹۷۰: ۲۱۷/۶؛ سبحانی، ۱۳۶۶: ۳۱۰)

۵- در آیات پس و پیش از آیه تطهیر، همه‌جا از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله با واژه‌هایی همچون «ازواجکم»، «نساء النبی» نام برده شده در حالی که در آیه تطهیر «اهل البیت» آمده و این گویای این است که منظور از اهل بیت، گروهی غیر از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و گرنه با همان الفاظ از آنها نام برده شد. (سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۴۰/۱۰)

ممکن است کسی بگوید در سوره هود آیه، ۷۳، واژه اهل بیت نسبت به همسر حضرت ابراهیم علیه السلام به کار برده شده است. پاسخ آن را پیش از این در بررسی واژه اهل بیت در قرآن عنوان نمودیم، از طرفی لسان آیه تطهیر، لسان مدح و ستایش و نوید از مقامی بلند و والا برای آنان است، در حالی که لسان آیه‌های مربوط به همسران پیامبر، لسان نکوهش و مذمت است و هرگز نمی‌توان هر دو لسان را مربوط به یک گروه دانست. (سبحانی، ۱۳۶۶: ۳۱۷/۵)

۶- قرینه دیگری می‌توان ذکر نمود، مبنی بر این که اهل بیت در آیه تطهیر گروهی غیر از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند روایتی که صحیح مسلم از زید بن ارقم از صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که گروهی اصرار کردند که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیث نقل کند، وی گفت: پیامبر روزی در کنار آبی به نام (خُم) میان مکه و مدینه برخاست و خدا را ستایش کرد و فرمود ای مردم. «أنا بشرٌ یوشکُّ أنْ یأتی رسولُ ربِّی فاجیب...»
من هم بشری هستم «مثل شما» و نزدیک است که نماینده خدا (عزرائیل) بیاید و من

دعوت خدا را لیبیک بگویم، پس من بین شما دو چیز نفیس می‌گذارم یکی کتاب خدا، و دیگری اهل بیت من است. و سه مرتبه فرمود: اُدْکُرْکُمْ اللهُ فی اهل بیتی... من خدا را درباره اهل بیت خود به یاد شما می‌آورم.

راوی می‌گوید من از زید پرسیدم که اهل بیت او کیست؟ گفت: مقصود از اهل بیت در این آیه کسانی است که صدقه بر آنها پس از پیامبر حرام شده و آنان فرزندان علی علیه السلام و عقیل و جعفر و عباس است. (مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۳۹۲: ۱۵/۱۸۰). (باب فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام)؛ خطیب قسطلانی، بی تا: ۱۲۲/۲)

در روایت دیگری راوی از زید بن ارقم پرسید آیا همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت او هستند؟ وی گفت: نه! زیرا همسر مدتی با شوهر خود زندگی می‌کند، و آن گاه مرد او را اطلاق می‌دهد و او به سوی پدر و خویشان خود باز می‌گردد. (مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۳۹۲: ۱۵/۱۸۱؛ سبحانی، ۱۳۶۶، مشهور جاوید: ۳۱۶/۵)

افزون بر قرائن یاد شده، این نکته نیز شایسته تأمل است، با توجه به مقام بس بزرگی که خداوند متعال به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله عطا فرموده و آن هم به همه انسان‌ها در طول تاریخ اعلام شده است، حال چگونه می‌توان تصور کرد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خداوند سبحان به چنین مقام ارجمندی نایل آمده باشند، در صورتی که حتی یک نفر از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله برای یک بار هم چنین فضیلتی را برای خود یادآور نشده و دیگران را بدان توجه نداده باشند؟!

مسأله آن جا مهم تر جلوه می‌کند که نه تنها تاریخ و حدیث چیزی را از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نکرده، بلکه حتی از قول خود آنان نقل کرده‌اند که آیه تطهیر در حق غیر ایشان (یعنی خامس آل عبا) نازل شده است که ما در ادامه مقاله پاره‌ای از این نقل‌ها را یادآور خواهیم شد.

آیه تطهیر از دیدگاه روایات

با چشم‌پوشی از بحث‌های تفسیری و این که واژه «اهل بیت» در لغت و اصطلاح، بر کدام یک از مصادیق مورد اختلاف دلالت دارد، به نظر می‌رسد که بهترین و مهم‌ترین راه، برای اثبات و تعیین دقیق مصادیق اهل بیت، مراجعه به روایاتی است که از کثرت و فزونی

برخوردار است و به خوبی برای اثبات مدعا کافی است و از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تفسیر آیه شریفه می پردازد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان یگانه کسی که بی هیچ گفت و گو صلاحیت تفسیر قرآن و بیان معانی پنهان و آشکار و پرده برداری از رموز آن و تعیین مصادیق مورد اختلاف را داراست، و بنابه نص صریح قرآن کریم، هیچ گاه از خود سخنی نمی گوید و همه گفتارش برخاسته از وحی و فرمان الهی است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، آیه ۳-۴)

در تعیین مراد و منظور از آیه تطهیر و بیان مصادیق آن، دو شیوه مؤثر و صریح را برگزیده است: یکی شیوه بیان گفتاری و دیگری شیوه تبیین عملی.

مصدق آیه تطهیر در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله

بنابه روایت فراوانی که از طریق شیعه و سنی به دست ما رسیده است، رسول مکرم اسلام کسائی (پارچه ای) به دست مبارک خویش گرفته و علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام را به زیر آن دعوت فرمودند. آنگاه آیه تطهیر را قرائت نمودند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...». (احزاب/۳۳)

این حدیث شریف، که در منابع فریقین، به «حدیث کساء» معروف است، از طرق فراوان و گوناگونی نقل شده که همگی دارای یک مضمون است، هر چند اختلافات اندکی در الفاظ آن دیده می شود. (بیهقی، بی تا: ۱۵۳/۲-۱۴۹ و ۶۳/۷؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۹۷۸/۱۳۹۸: ۴/۱۸۸۳ و ۱۳۰؛ شوکانی، بی تا: ۲۷۹/۴-۲۷۱؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱/۲۹۷؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۶/۶۰۳-۶۰۶؛ احمد بن حنبل، بی تا: ۳/۲۵۹ و ۴/۱۰۷، و ۶/۲۹۲ و ۲۹۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸/۱۵۶؛ خطیب بغدادی، بی تا: ۱۰/۲۷۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸: ۴/۳۷۸؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۸/۱۴۰۸: ۸/۳۶۹)

پاره ای دانشمندان، متواتر بودن این حدیث را از دیدگاه شیعه و سنی مسلم دانسته (محقق کرکی، بی تا: ۸۵) و پاره ای دیگر، در جهت اثبات تواتر آن به تألیف کتاب مستقل همّت گماشته اند. (موحد ابطحی، ۱۴۰۵: ۲/۶۵)

برخی دانشمندان نیز گفته اند که این روایات، به جهت فراوانی، غیر قابل شمارش اند.

(استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۴۹) برخی عالمان اهل سنت، بر فراوانی آن صحه گذارده‌اند. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۳۹/۲) ابن تیمیه که پیوسته می‌کوشد بیشتر روایات وارد شده در فضایل اهل بیت را انکار یا توجیه کند، در این مورد ناچار شده که بر صحیح بودن حدیث کساء اقرار نماید. (ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۳/۳) دو مفسر و محدث بزرگ اهل سنت به نام طبری که در تفسیر خود هفده حدیث و جلال الدین سیوطی در در المثنور چهارده حدیث راجع به آیه‌ی تطهیر آورده است. (طبری، ۱۴۲۰: ۱۰/۲۹۷؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۶۳۰/؛ بن کثیر القرشی الدمشقی، ۱۴۰۷: ۴۸۴/۳)

علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره حدیث کساء می‌نویسد: «این گونه روایات بسیار است و افزون بر هفتاد حدیث می‌شود. روایاتی که در این مورد، از طرق اهل سنت آمده، نسبت به روایاتی که در این موضوع، از طریق شیعه به ما رسیده، بیشتر است. اهل سنت آن را از طرق فراوان، از قول: ام سلمه، عایشه، ابو سعید خدری، واثله بن بن اسقع، ابوالحمراء، ابن عباس، ثوبان غلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عبدالله بن جعفر، علی علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام روایت کرده‌اند، که نزدیک به چهل طریق می‌شود. شیعه نیز آن را از قول: امام علی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام، ام سلمه، ابوذر، ابولیلی، ابوالاسد دثلی، عمر بن میمون اوری و سعد بن ابی وقاص از بیش از سی طریق روایت کرده‌اند.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۱۱/۱۶)

بنابراین، با اطمینان می‌توان بر آن شد که از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت، تنها عبارت‌اند از: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، فاطمه علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام.

تعیین مصداق آیه تطهیر در بیان رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

همان گونه که بیشتر گفتیم، آیه تطهیر، از بسیاری جهات، دارای بیشترین اهمیت، نسبت به موضوع جایگاه، شأن و منزلت اهل بیت رسول خداست و از همین رو، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در جهت بیان مصادیق آن (که به طور قطع از جهت اهمیت، کمتر از اصل نزول آیه نبوده است؛ چرا که در صورت مبهم ماندن مصادیق آیه شریفه، هدف مورد نظر از نزول آن محقق نمی‌شد. و میان نزول و عدم نزول آن، تفاوتی در نتیجه حاصل نمی‌شده است) تنها به بیان قولی و گفتاری محض اکتفا نکرده، بلکه با در پیش گرفتن

شیوه‌ای بدیع و ابتکاری و در جهت هرچه ماندگارتر مقصود، چنان مسئله را روشن و آشکار کردند، که دیگر جای اندک شبهه و تردیدی برای هیچ کس (حتی آیندگان قرن‌های دور و دراز) باقی نماند. این شیوه بدیع و ابتکاری، بدین صورت بود که آن حضرت، برای مدتی بس دراز و طولانی، هرگاه می‌خواست برای اقامه نماز صبح از خانه بیرون رود، نخست بر در خانه حضرت زهرا علیها السلام می‌آمد و می‌فرمود: نماز! ای اهل بیت!... و سپس آیه تطهیر را قرائت می‌فرمود. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۶/۶۰۶)

البته درباره مدت زمانی که این عمل از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌گرفته، نقل‌ها مختلف است، در برخی نقل‌ها، مدت یاد شده چهل روز (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۳۵)، در برخی دیگر هفت ماه (شوکانی، ۱۳۸۶: ۴/۲۰۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۹۱)، در پاره‌ای دیگر هشت ماه (گنجی شافعی، ۱۳۹۰: ۳۷۶؛ شبلنجی، ۱۴۰۹: ۱۱۲)، پاره‌ای هم ده ماه (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۴۶)، پاره‌ای دیگر هفده ماه (همان: ۷۸) و در برخی دیگر نوزده ماه (النباطی البیاضی، بی تا: ۱/۱۸۸) ذکر شده است.

چنین به نظر می‌رسد که علت اختلاف در مدت زمان یاد شده، این بوده که هر یک از راویان و ناقلان ماجرا، تنها مدتی را که خود شاهد آن بوده روایت کرده است، بنابراین، نقل‌های یاد شده، به هیچ روی با هم ناسازگاری ندارند.

به هر تقدیر، این روایات در مجموع با اسناد آن، از قول سی تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. (حنفی قندوزی، ۱۳۷۱: ۱۲۴، ۱۷۴ و ۲۶۰)

عدم شمول آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر در روایات

آنچه از روایات وارد شده در موضوع برمی‌آید، این است که هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشمول و مصداق آیه شریفه تطهیر نیستند.

در متن این روایات، به طور خاص آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خود خطاب به سه تن از همسران خویش، با صراحت فرمودند که تو از اهل بیت به شمار نمی‌آیی، آن سه تن عبارت‌اند از:

عایشه، ام سلمه و زینب. اکنون ما پاره‌ای از این روایات را تنها از باب نمونه یادآوری

می‌شویم:

در واقعه کساء که پیش از این جایگاه آن را در جوامع روایی شیعه و سنی بررسی کردیم، ام سلمه، زینب و عایشه خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: آیا من نیز از اهل بیت تو هستم؟ حضرت در پاسخ فرمود: کنار رو، تو در شمار اهل بیت نیستی، اما در خیر و سلامت خواهی بود. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۵۷/۸؛ جوینی الخراسانی، ۱۳۹۸: ۳۶۸/۱)

در برخی دیگر از روایات آمده است که در واقعه مذکور، ام سلمه دعا کرد: که خدایا! مرا در شمار آنان (اهل بیت) قرار ده و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به او فرمود: تو در جای خود باش. تو خوب هستی. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۶/۶۰۴) یا طبق نقلی دیگر: وی خطاب به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: آیا من نیز در زمره اهل بیت هستم؟ حضرت به او فرمود: تو بر جای خود باش، تو نیکو هستی. (ابن اثیر، بی تا: ۱۲/۲)

بنا به نقلی دیگر، ام سلمه گفت: ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! آیا من از اهل بیت تو نیستم؟ حضرت در پاسخ فرمود: تو پایان خوش داری، تو از همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستی، یا فرمود: تو پایان خوشی داری، اما اینان اهل بیت من هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۷/۲؛ طبری، بی تا: ۷/۲۲؛ سیوطی: ۶۰۴/۵)

در حدیثی دیگر آمده است: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همسر خود زینب را از این که همراه آنان زیر پارچه (کساء) رود بازداشت و خطاب به او فرمود: ان شاء الله تو پایان خوبی داری. (نباطی البیاضی، بی تا: ۱۸۷/۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۵۳/۲)

این احادیث، که تنها نمونه‌هایی از روایات بی شماری است که در این موضوع وارد شده است، به خوبی نشان می‌دهد که مصداق آیه تطهیر، گروهی غیر از همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و آنان، همان کسانی هستند که طبق روایات متواتر نقل شده از سوی محدثان بزرگ شیعه و سنی، عبارت‌اند از: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلِيٌّ، فاطمه فَاطِمَةُ، حسن حَسَنٌ و حسین حُسَيْنٌ.

نتیجه گیری

آیه ۳۳ سوره احزاب نخست این نکته را یادآور می‌شود که اسلام با بیرون آمدن زن از خانه یا داخل شدنش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مخالفتی ندارد؛ بلکه خروج او را از حریم خانه با هدف فساد، یا افساد رد می‌کند و می‌فرماید در خانه‌های خود بمانید و مانند زمان جاهلیت زینت‌های خود را آشکار نکنید، زیرا این رفتار موجب فساد و انحطاط اخلاق در جامعه می‌شود. «وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ؛ و نماز بگزارید» تا رابطه شما با خدا قوی گردد «وَأَتِينَ الزَّكَاةَ؛ و زکات بدهید». سیاق مطلب به ضرورت پیروی از خدا و رسول او بازمی‌گردد، سپس به پاکی اهل بیت اشاره کرده است. در این نوشتار پژوهشگر کوشیده است ثابت کند فراز آخر آیه؛ یعنی خداوند اراده کرده هر گونه بدی و پلیدی را از اهل پیامبر دور نماید، به همسران پیامبر وابسته نیست، زیرا در آیه شریفه، به جای ضمیر مؤنث، گونه مذکر آن به کار رفته است. دیگر آن که با روی آورد به واژه «انما» به کار رفته در آیه شریفه و در بر داشتن مفهوم حصر، چنین بهره جسته می‌شود که خواست الهی بر زدودن قطعی هر گونه پلیدی از اهل بیت علیهم السلام، تعلق گرفته است؛ وانگهی، با توجه به انحصار عصمت در اهل بیت، ویژگی یاد شده، همسران پیامبر را در بر نمی‌گیرد. از دیگر سوی، بر پایه روایات بسیاری از اهل سنت، بازگو شده به وسیله ام سلمه، عایشه، ابوسعید خدری و وائل بن اسقع و...، باید گفت آیه شریفه یاد شده، تنها به پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام وابسته می‌باشد و جز آنان، به شخصی دیگری اشاره ندارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، (بی تا)، *روح المعانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
ابطحی، سید علی، (۱۴۰۵)، *آیه التطهیر فی احادیث الفریقین*، قم، سید الشهداء.
ابن اثیر، علی بن محمد، (بی تا)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث
العربی.
ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۹۹۹/۱۴۲۰)، *منهاج السنة*، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه،
چاپ اول،
ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۹۸۷/۱۴۰۷)، *تهذیب تاریخ دمشق*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث
العربی، چاپ سوم.
ابن کثیر دمشقی، (۱۴۰۷)، *اسماعیل بن عمر، تفسیر*، بیروت - لبنان، دارالفکر.
ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
چاپ اول.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (بی تا)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث
العربی.
ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، *لسان العرب*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی،
چاپ اول.
ابو نعیم احمد بن عبدالله الاصفهانی، (۱۹۸۸/۱۴۰۹)، *حلیة الاولیاء*، بیروت - لبنان، دارالکتب
العلمیه، چاپ اول.
ابوالقاسم الخرازی القمی الرازی، (۱۴۰۱)، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، قم،
انتشارات بیدار.
ابونعیم راغب اصفهانی، (۱۳۸۳/۱۴۲۵)، *مفردات الفاظ قرآن*، قم، ذوی القربی، چاپ چهارم.
ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، نشر مکتب اعلام اسلامی،
جمادی الآخر.
ابی عیسی محمد بن عیسی بن سوره، (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، *سنن تومزی*، بیروت - لبنان، ج ۴، ص ۴۳۴،
باب ما جاء فی الخلفاء.
ابی محمد علی بن یونس العاملی النباطی البیاضی، (بی تا)، *الصراط المستقیم*، المکتبة المرتضویة.

- احمد بن حنبل، (بی تا)، *مسند احمد حنبل*، بیروت، دارالفکر.
- احمد بن علی بن حجر عسقلانی، (۱۳۲۸)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت - لبنان، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
- احمد بن محمد بن ابی بکر الخطیب القسطلانی، (بی تا)، *مواهب اللدنیة بالمنح المحمّدیة*، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه.
- استرآبادی، سید شرف الدین، (۱۴۰۹)، *تأویل آیات الظاهر*، قم، انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- امام بخاری، (بی تا)، *صحیح بخاری*، بیروت - لبنان، دارالمعرفة.
- امام فخر رازی، (۱۹۹۵/۱۴۱۵)، *تفسیر کبیر*، بیروت - لبنان، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
- بیهقی، احمد بن حسین، (بی تا)، *السنن الکبری*، بیروت - لبنان، دارالمعرفة.
- حافظ نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، (۱۹۹۴/۱۴۱۴)، *مجمع الزوائد و منبع القوائد*، بیروت - لبنان، دارالفکر.
- حسام الدین هندی، (۱۴۰۹)، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۹۹۰/۱۴۱۱)، *شواهد التنزیل*، تهران، مؤسسه طبع و نشر، چاپ اول.
- الحویزی، (بی تا)، *تفسیر نور الثقلین*، قم، مطبعة الحکمة.
- خطیب بغدادی، (بی تا)، *تاریخ بغداد*، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه.
- الخطیب کاظم آل نوح، (۱۳۷۴)، *طرق حدیث الائمة من قریش و فی بعضها من بنی هاشم*، بغداد، مطبعة المعارف.
- رشید، محمدرضا، المنار، (بی تا)، *تفسیر القرآن الحکیم*، بیروت - لبنان، دارالمعرفة.
- زبیدی، مرتضی، (۱۹۹۴/۱۴۱۴)، *تاج العروس*، بیروت - لبنان، دارالفکر.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۰)، *مفاهیم القرآن*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۶۶)، *منشور جاوید*، قم، انتشارات اسلامی.
- سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابی داود*، حمص - سوریه، دارالحدیث، چاپ اول، ج ۳، کتاب المهدی
- سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه محمد جعفر اسلامی، تهران، بنیاد علوم اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، *تاریخ الخلفاء*، نور محمد، کارخانه تجارت کتب آرام باغ، کراچی.

سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۳/۱۹۸۳)، *درالمنثور فی تفسیر المأثور*، بیروت - لبنان، دارالفکر، چاپ اول.

شبلنجی، مؤمن بن حسن مؤمن، (۱۴۰۹/۱۹۸۹)، *نورالابصار*، بیروت، دارالجیل.
شوکانی، محمد، (بی تا، ۱۳۸۶)، *فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية فى علم التفسیر*، بیروت - لبنان، دارالمعرفة.

شیخ صدوق، *علل الشرايع*، نجف، مکتبه الحیدریه.
شیرازی، مکارم با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۶۹)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، زمستان.

صافی گلپایگانی، لطف الله، (بی تا)، *منتخب الاثر*، منشورات مکتبه الصدر، طهران، چاپ سوم.
صالح عظیمه، (۱۳۸۰)، *معناشناسی واژگان قرآن*، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.

طباطبایی، علامه محمد حسین، (۱۳۹۳/۱۹۷۳)، *المیزان*، بیروت - لبنان، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم.
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، *جوامع الجامع*، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵/۱۹۹۵)، *مجمع البیان*، بیروت - لبنان، مؤسسه اعلمی، چاپ اول.
طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۰/۱۹۹۹)، *تفسیر طبری*، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم.
طبری، محمد بن جریر، (بی تا)، *جامع البیان*، بی جا.

طحاوی، احمد بن محمد، (۱۳۳۳)، *مشکل الآثار*، بیروت، دار صادر، چاپ اول.
طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
طیب، سید عبدالحسین، (بی تا)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم.

علامه حلی، (۱۴۰۷)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، رمضان.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۲/۱۹۹۱)، *قاموس المحيط*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

قرائتی، محسن، (۱۳۷۹)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، پاییز.
قرشی، علی اکبر، (۱۳۶۶)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول.
قرشی، علی اکبر، (۱۳۶۷)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.

- قندوزی الحنفی، (۱۳۷۱)، *ینایع الموده*، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- کاشانی، فیض، (۱۹۸۲/۱۴۰۲)، *تفسیر صافی*، بیروت - لبنان، چاپ دوم.
- گنجی شافعی، (۱۳۹۰)، *کفایة الطالب*، نجف، مطبعة الحیدریة.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۹۸۳/۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- محقق کرکی، علی بن عبدالعال، (بی تا)، *نفحات الالهوت فی لعن الجبت و الطاغوت*، طهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
- محمد جوینی الخراسانی، (۱۹۷۸/۱۳۹۸)، *فرائد السمطین*، بیروت - لبنان، مؤسسه المحمودی، چاپ اول.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، (۱۹۷۲/۱۳۹۳)، *صحیح مسلم*، بیروت - لبنان، دارالفکر، چاپ دوم.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۹۷۰)، *التفسیر الکاشف*، بیروت - لبنان، دارالعلم للملایین، چاپ اول.
- موحد ابطحی، سید علی، (۱۴۰۵)، *آیه تطهیر در احادیث فریقین*، قم، مطبعة سید الشهداء علیهم السلام.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، (۱۳۶۲)، *اسباب النزول*، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، انتشارات الرضی.